

نخستین رئیس ساواک بود. وی در زمره افراد مورد اعتماد شاه قرار داشت و توانست مدار نظامی را به سر ع طی کند. بختیاری می‌خواست با جلب حمایت آمریکایی‌ها، شاه را کنار بزند، اما نقشه‌های او موفقیت آمیز نبود به نایار به عراق گریخت. بختیار در عراق به دست عوامل ساواک به قتل رسید. او نقش مهمی در شناسایی، بازداشت و سپس به شهادت رساندن شهید نواب صفوی و یارانش داشت.



**تیمور بختيار**
(۱۳۴۹–۱۲۹۲ ه‍.ش)

به مناسبت شصتمین سالروز شهادت نواب صفوی و یارانش

# فریاد اعتراض در عصر اختناق

**جواد نوائین رودسری**  
info@khorasannews.com

سحر گاه روز یکشنبه، ۲۷ دی‌ماه سال ۱۳۳۴، میدان بزرگ پادگان لشکر ۲ زرهی تهران، شاهد به شهادت رسیدن رادمردانی بود که عمر و جوانی خود را فدای اسلام کرده بودند؛ رادمر دانی که نام خود را «فدائیان اسلام» گذاشته بودند برای عزت اسلام و مسلمانان، حتی از نثار خونشان، دریغ نکردند. در آن سحرگاه خونین،سیدمجتبی نواب صفوی، مظفر ذوالقدر،خلیل طهماسبی وسیدمحمد واحدی، در آخرین لحظات حیاتشان، فریاد تکبیر سر دادند تا پیاوک صد ایشان، در کنگره تاریخ طنین انداز شودو خفتگان را بیدار کند. رهبر فدائیان اسلام، تا آخرین لحظات عمر، امیدوار بود که سخنان پرالتهابش، در دل تیره دلان تأثیر بگذارد و آینده ای بهتر را برای آنها رقم زند. پیش از آن که روح بلندنواب به آسمان هارپ بکشد، با صدای ر سای خود خطاب به حاضران در میدان، سخنانی ایراد کرد، که یادگار ماندگار آن مجاهد نستوه برای آیندگان است:«شما بندگان ضعیف در برابر خدای جهان هستید، چندروزه دنیا به زودی می گذرد، کاری کنید که در جهان دیگر در برابر آفریدگارتان شرمنده نباشید. شما به دستور شاه ستمگر ما را شهید می کنید، ولی طولی نمی کشد که همگی از این کردار زشت پشیمان می شوید، آن روز پشیمانی دیگر سودی ندارد. شما باید سرپاز اسلام باشید و در راه دین بجنگید، نه این که سلاحتان را برای حفظ حکومت شاه، رو به سینه عاشقان اسلام نشانه بگیری.د. روزی حقایق آشکار می شود و آن وقت، از اینکه از شاه حمایت کرده اید پشیمان خواهید شد.»ای فسران ومقامات عالی مرتبه ارتش! شما هم به جای این که خود را به حکومت پوسیده وفاسد شاهنشاهی بفروشید، به اسلام رو بیاورید تا در وجهان به عزت برسید. فریب این در جه‌ها ومقامات ظاهری را نخورید و بدانید که قیامت بسیار نزدیک است. و اسلام»

■ **تولد یک مبارز**

شهید سیدمجتبی میر لوحی، معروف به نواب صفوی، در سال ۱۳۰۳ ه‍.ش. در محله خانی آباد تهران متولد شد. پدرش، مرحوم سیدجواد میر لوحی، روحانی مبارز و صریح‌اللهجه‌ای بود که با اجبار دستگاه رضاخانی، از کسوت روحانیت بیرون آمد و مدتی به شغل و کالت اشتغال داشت. در همان ایام بود که روزی بر اثر مشاجره با «داور» وزیر عدلیه، سیلی محکمی به گوش او زد و سه سال زندانی شد. شهید نواب صفوی، صراحت لهجه، شجاعت و دینداری را از پدر و مادرش آموخته بود. او در دوران دبیرستان، تصمیم به تحصیل علوم دینی گرفت و از آنجا که خانواده اش مشکلات مالی فراوانی داشتند، مدتی در شرکت نفت آبادان به کار مشغول شد. شهید نواب صفوی، فعالیت‌های مبارزاتی خود را از همین دوره آغاز کرد. به مشاهده تبعیض و بیدادی که انگلیسی‌ها نسبت به ایرانیان مسلمان روا می‌داشتند، برای او سخت و غیر قابل تحمل بود و به همین دلیل، مدتی پس از آغاز کار در شرکت نفت آبادان،اعتصابی را علیه مظالم انگلیسی‌ها، ساز مانه‌دی کرد. شهید نواب صفوی، مدتی بعد راهی نجف اشرف شد. او افزون بر فراگیری در س‌های حوزوی، نزد استادان برجسته حوزه علمیه نجف، از شاگردان مورد علاقه مرحوم علامه امینی، صاحب کتاب سترگ «الغدیر» بود. تحصیل شهید نواب صفوی در نجف، با وقایع شهرریور

۱۳۲۰ و فعالیت‌های ضددینی «احمد کسروی» همزمان شد. شهید نواب صفوی پس از مطالعه نوشته‌های کسروی، تصمیم به مقابله با او گرفت و با کمک مرحوم علامه امینی ایران، ناراحت و نگران بود، تصمیم گرفت با تبلیغ احکام اسلامی و تلاش برای متوجه کردن مردم به آموزه‌های دینی، شرایط موجود را تغییر دهد. شهید نواب صفوی، همراه با دوستانش جمعیتی را تأسیس کرد و نام «فدائیان اسلام» را برای آن برگزید. این جمعیت نقش مهم و مؤثری در تحولات سیاسی واجتماعی دهه‌های ۲۰ و ۳۰ خورشیدی داشت وتجربیات آن در سال‌های بعد، دستمایه شکل‌گیری گروه‌های مبارز مسلمان شد. دوره‌ای که شهید نواب صفوی و یارانش فعالیت خود را آغاز کردند، دور‌های حساس و سرنوشت‌ساز بود. از یک سو، تلاش اقلیتی در مجلس، برای ملی کردن صنعت نفت ایران و از سوی دیگر، خواست عمومی مردم ایران برای تحقق این امر، باعث شد «فدائیان اسلام»، وظیفه سنگین حمایت از نهضت را بر دوش بگیرند و در بزنگاه‌های حساس، به یاری آن بشتابند. اعدام‌هزیر توسط یاران شهید نواب صفوی، در همین راستا انجام شد. با این حال، رویکرد دلبرال‌مایانه د کتر مصدق و عدم تلاش و تمایل وی برای اجرای احکام شریعت، شهید نواب صفوی و یارانش را نسبت به آینده نهضت نگران کرده‌بود. آنها کوشیدند دولت را نسبت به اشتباهاتش آگاه کنند، اما فایده‌ای نداشت و اعتراضات «فدائیان اسلام»، با

بازداشت وزندانی کردن رهبر آنها پاسخ داده‌شد. شهید نواب صفوی مدتی پس از آزادی از زندان هم، به‌دکتر مصدق نامه نوشت و کوشید او را نسبت به مسائل و مصالح آگاه کند: «آقای دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیر، پس از سال‌ها شما و مملکت در سخت‌ترین شرایطی سقوط قرار گرفته اید، چنانچه احساس کرده و معتقد شده‌باشید که نجات بخش شما و مملکت، اجرای برنامه مقدس پیغمبر اکرم(ص) می‌باشد و پس از اتمام جریانات گذشته، آماده اجرای احکام مقدس اسلام باشید، قول می‌دهم که مملکت را به یاری خدای توانا و به برکت اجرای احکام و تعالیم عالیه خدای توانا؛ سید مجتبی نواب صفوی.» با این حال، دکتر مصدق به هشدار ها و دلسوزی‌های نواب صفوی و یارانش وقعی ننهاد و با وقوع کودتای ۲۸ مردادماه سال ۱۳۳۲، نهضت ملی شدن صنعت نفت، در جامی تلخ پیدا کرد. اما فدائیان اسلام، فعالیت‌های خود را ادامه دادند و از رویارویی با سران کودتا و در رأس آنها، دربار، هراسی نداشتند.

■ **در مسیر وحدت اسلامی**
چندی بعد، شهید نواب صفوی، با دعوت برگزار کنندگان «مؤتمر اسلامی»، راهی اردن شد و در این اجلاس شرکت



نواب صفوی به همراه یکی از شرکت کنندگان در کنفرانس «مؤتمر اسلامی»

نخستین رئیس ساواک بود. وی در زمره افراد مورد اعتماد شاه قرار داشت و توانست مدار نظامی را به سر ع طی کند. بختیاری می‌خواست با جلب حمایت آمریکایی‌ها، شاه را کنار بزند، اما نقشه‌های او موفقیت آمیز نبود به نایار به عراق گریخت. بختیار در عراق به دست عوامل ساواک به قتل رسید. او نقش مهمی در شناسایی، بازداشت و سپس به شهادت رساندن شهید نواب صفوی و یارانش داشت.